



## درس سوم: تشبیه

شاعران و نویسندگان به زبان، نگاه زیباشناسانه دارند. آنها معانی ذهنی خود را با استفاده از آرایش های لفظی و معنوی و عناصر علم بیان به اشکال گوناگون به دیگران منتقل می کنند و کلام ساده و عادی را به سخنی ادبی و هنری تبدیل می کنند؛ برای مثال هنرمند ادیب بارش باران و طلوع خورشید را با چنین عباراتی بیان می کند:

سخن عادی	سخن ادبی
باران بارید.	۱. ابر آمد و باز بر سر سبزه گریست.
	۲. مروارید باران از چشم ابر چکید.
	۳. بهاران که شاباش ریزد سپهر به دامان گلشن ز رگبارها
خورشید طلوع کرد.	۱. گل خورشید شکفت.
	۲. پادشاه مشرق چهره نمود.
	۳. خسرو خاور علم بر کوهساران زد.

از نظر ادبی شیوه های گوناگونی برای آفرینش تخیل و بیان معنا وجود دارد که مهم ترین آنها چهار آرایه تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه هستند و آنها را در حوزه علم بیان بررسی می کنند  
اکنون این جمله را با هم می خوانیم:

در این نمونه سعدی با همانند کردن دانا و طبله عطار، آن دو را به هم تشبیه کرد هاست و ویژگیهای خاموشی و هنرنمایی را در آنها مشترک می بیند و این شباهت را برای مخاطب محسو س تر و زیباتر بیان می کند. ادعای همانندی میان دو یا چند چیز را آرایه «تشبیه» می نامند. بهره گیری از تشبیه، سخن را خیال انگیز می کند.

در بیت زیر هم آرایه تشبیه را مشاهده می کنید:

ما چو مرغان حریص بینوا (مولوی)

صد هزاران دام و دانه است ای خدا

هر تشبیه ریشه در نوع نگاه و تفکر گوینده دارد و آنچه موجب زیبایی تشبیه می شود، وجه شباهتی است که شاعر و نویسنده به آن دست یافته است.

### تشبیه چهار پایه یا رکن دارد:

(۱) مشبّه: پدیده ای است که آن را به پدید های دیگر مانند می کنیم؛ مثل «ایام گل» در مصراع زیر:

ایام گل چو عمر به رفتن شتاب کرد (حافظ)

(۲) مشبّه به: پدیده ای است که مشبّه را به آن مانند می کنیم؛ مثل «گل» در مصراع زیر:

تو هم چون گل زخندیدن لبّت با هم نمی آید (سعدی)

(۳) وجه شبه: ویژگی یا صفت مشترک میان مشبّه و مشبّه به است که در مشبّه به پررنگ تر و آشکارتر است؛ مانند «کریم» در این مصراع:

گرت زدست بر آید چو نخل باش، کریم. (گلستان سعدی)

(۴) ادات تشبیه: واژه ای است که آن را برای بیان شباهت میان دو پدیده به کار می بریم. واژه های: چو، مثل، مانند، گویی، همچون، به سان، به کردار و... از این دسته اند؛ برای مثال «چون» و «وش» در بیت زیر ادات تشبیه اند.

این زبان چون سنگ و هم آهن وش است      و آنچه بجهد از زبان، چون آتش است (مولوی)

چهار رکن تشبیه را در مثال های زیر مشخص می کنیم:

بلم آرام چون قویی سبکبار      به نرمی بر سر کارون همی رفت (فریدون توللی)

شب در تمام پنجره های پریده رنگ / مانند یک تصوّر مشکوک / پیوسته در تراکم و طغیان بود. (فروغ فرخزاد)

و او به شیوه باران پر از طراوت تکرار بود. (سهراب سپهری)